



دانشکده‌ی کشاورزی  
گروه مدیریت توسعه روستایی

پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته ترویج کشاورزی

بررسی رابطه بین فقر اقتصادی - اجتماعی روستایی و تخریب مراتع:  
مورد مطالعه بخش مرکزی شهرستان فارس

استاد راهنما:  
دکتر مهدی نوری پور

اساتید مشاور:  
دکتر آیت‌اله کرمی  
دکتر علی‌رضا صالحی

پژوهشگر:  
الهه داودی فارسانی

بهمن ماه ۱۳۹۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رساله‌ی حاضر، حاصل پژوهش‌های نگارنده در دوره‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی ترویج کشاورزی است که در بهمن ماه سال ۱۳۹۳ در دانشکده‌ی کشاورزی دانشگاه یاسوج به راهنمایی جناب آقای دکتر مهدی نوری پور و مشاوره‌ی جناب آقای دکتر آیت‌اله کرمی و جناب آقای دکتر علی‌رضا صالحی از آن دفاع شده است و کلیه‌ی حقوق مادی و معنوی آن متعلق به دانشگاه یاسوج است.

## سپاسگزاری

سپاس و ستایش مر خدای را جل و جلاله که آثار قدرت او بر چهره روز روشن، تابان است و انوار حکمت او در دل شب تار، درفشان. آفریدگاری که خویشتن را به ما شناساند و درهای علم را بر ما گشود و عمری و فرصتی عطا فرمود تا بدان، بنده ضعیف خویش را در طریق علم و معرفت بیازماید.

اکنون که این پایان نامه به پایان رسیده است، بر خود فرض می دانم از همه ی کسانی که به شیوه های مختلف در انجام این پژوهش مرا یاری نموده اند، کمال سپاس و امتنان را داشته باشم. امیدوارم خداوند این سروران را در پناه خویش مصون و موفق داشته و توفیق روز افزون در تمام زمینه ها نصیبشان فرماید.

با سپاس از مهربانترین همراهان زندگی ام، پدر، مادر و برادران عزیزم که حضورشان در فضای زندگی مصداق بی ریای سخاوت بوده است.

با سپاس فراوان از استاد دانشمند و پرمایه ام جناب آقای دکتر مهدی نوری پور که در کمال سعه ی صدر، با حسن خلق و فروتنی از هیچ کمکی در این عرصه بر من دریغ نمودند و با نکته های دلاویز و گفته های بلند خویش، صحیفه های سخن را علم پرور نمود و همواره راهنما و راه گشای بنده در اتمام و اکمال پایان نامه بوده است؛

با سپاس از اساتید گرانقدر جناب آقای دکتر آیت اله کرمی و جناب آقای دکتر علی رضا صالحی در مقام استاد مشاور که پیوسته در مراحل مختلف پژوهش با راهنمایی های روشنگرانه انجام پژوهش را تسهیل نمودند؛

همچنین از اساتید محترم، جناب آقای دکتر مصطفی احمدوند، جناب آقای دکتر آرمان حیدری و سرکار خانم دکتر مریم شریف زاده که در دوران تحصیل بنده را از مشاوره ی علمی خود بهره مند ساختند، سپاس گزاری می کنم.

به پاس حق شناسی، وظیفه خود می دانم، احترام و سپاس ویژه ای از سرکار خانم مهندس سوده گلابی، سرکار خانم مهندس زینب شریفی، آقای مهندس مرتضی نوری و آقای مهندس نادر بارانی دانشجویان دکترای توسعه ی کشاورزی به دلیل یاری ها و راهنمایی های بی چشمداشت آن ها داشته باشم، چرا که با لطف فراوان بسیاری از سختی ها را برایم آسان نمودند. امید است در سایه سار الطاف حضرت احدیت همواره پیروز و سربلند باشند.

از هم کلاسی های عزیز و گرانقدرم، سرکار خانم ها مهندس محبوبه شهرکی، مهندس خدیجه کامکار، مهندس سیده کبرا همایون، مهندس ندا کاظمی و مهندس نعیم بذرفکن سپاس گزاری می کنم. با سپاس از دوستان خوب و گرمی، سرکار خانم ها عاطفه آشتاب، جلیله کریمی، سمیرا بهاروند، معصومه حسنونند، سوسن کرمی و نسرین صیادی.

در پایان نیز دعای خیرم را بدرقه ی راه تمام دوستان دوران تحصیل می کنم و یاد و خاطره ی آنان را هرگز از ذهنم پاک نخواهم کرد. سپاس من اندک است و لطفتان بی دریغ، پیروز باشید در پناه یگانه ی جاوید.

بهمن ماه ۱۳۹۳

الهه داودی فارسانی

تقدیم به:

او که مهر آسمانی اش آرام بخش آلام زینبی ام است:

خدا

که آفرید جهان را، انسان را، عقل را، علم را و عشق را و به کسانی که عشقشان را در وجودم

دمید:

پدرم

کوهی استوار و حامی من در طول تمام زندگی

مادرم

سنگ صبوری که الفبای زندگی به من آموخت

برادرانم

ایمان، پیمان و کامران که همواره در طول تحصیل متحمل زحمتم بوده اند و وجودشان شادی

بخش و صفایشان پایه آرامش من است.

نام: الهه	نام خانوادگی: داودی فارسانی
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	رشته و گرایش: مهندسی کشاورزی - ترویج کشاورزی
استاد راهنما: دکتر مهدی نوری پور	تاریخ دفاع: ۱۳۹۳/۱۱/۲۶

## بررسی رابطه فقر اجتماعی - اقتصادی روستایی و تخریب مراتع: مورد بخش مرکزی شهرستان فارس

### چکیده:

در میان تمامی چالش‌های موجود در مسیر توسعه پایدار شاید بتوان گفت که دو مانع اساسی و مهم که به‌ویژه در کشورهای جهان سوم به طور جدی مطرح است، فقر و تخریب مراتع می‌باشد. این دو عامل از این حیث اهمیت ویژه می‌یابند که علاوه بر تأثیر منفی که هر یک بر دستیابی به توسعه پایدار می‌گذارند در یک رابطه تعاملی و تشدیدکننده با یکدیگر قرار گرفته و به عنوان یک بحران جدی توسعه کشورهای جهان سوم و محیط زیست جهانی را در معرض خطر و تهدید قرار می‌دهند. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه فقر اجتماعی - اقتصادی روستایی و تخریب مراتع در بخش مرکزی شهرستان فارس انجام شد. تحقیق حاضر از لحاظ نوع هدف کاربردی، از لحاظ میزان و درجه کنترل متغیرها، میدانی و به لحاظ روش‌شناسی از نوع همبستگی بود. ابزار گردآوری اطلاعات در پژوهش حاضر، پرسشنامه ساختارمند مشتمل بر چهار بخش بود. در بخش اول به سنجش میزان تخریب مراتع پرداخته شد، در بخش دوم به بررسی میزان دارایی‌های اجتماعی، در بخش سوم به بررسی دارایی‌های اقتصادی پرداخته شد و در بخش پایانی پرسشنامه نیز اطلاعات جمعیت‌شناختی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت. این پرسشنامه، پس از تأیید روایی (صوری) و پایایی (آلفای کرونباخ از ۰/۷۹ تا ۰/۸۸) در اختیار پاسخگویان قرار داده شد. جامعه آماری، مناطق روستایی بخش مرکزی شهرستان فارس بود ( $N=3502$ ) که بر اساس جدول نمونه‌گیری کرجسی و مورگان، تعداد ۳۴۶ خانوار به‌عنوان نمونه آماری مشخص گردید، که به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار آماری SPSS21 و نرم‌افزار Excel2013 استفاده شد. از آنجایی که اولین قدم برای تفکیک افراد فقیر و غیرفقیر، تعیین خط فقر می‌باشد بر این اساس برای شناسایی پاسخگویان فقیر و غیر فقیر، خط فقر نسبی سرانه به دو روش ۵۰ درصد و ۶۶ درصد میانگین مخارج خانوار (ماهانه) محاسبه شد. نتایج نشان داد که با احتساب خط فقر نسبی بدست آمده به روش ۵۰ درصد میانگین مخارج خانوار (۱۲۱۳۰۰۰ ریال برای سال ۱۳۹۳)، در مناطق روستایی بخش مرکزی شهرستان فارس، حدود ۱۴ درصد پاسخگویان به عنوان افراد فقیر، زیر خط فقر قرار گرفتند و ۸۶ درصد نیز به‌عنوان افراد غیر فقیر بالای خط فقر قرار گرفتند. همچنین با احتساب خط فقر نسبی به روش ۶۶ درصد میانگین مخارج خانوار (۱۶۰۱۷۱۰ ریال برای سال ۱۳۹۳)، ارقام مذکور به ۲۶ و ۷۴ درصد تغییر یافتند. همچنین، در این پژوهش دارایی‌های اجتماعی خانوارها در دو بخش رفاه اجتماعی و سرمایه اجتماعی مورد مطالعه قرار گرفت، با توجه به یافته‌های پژوهش میانگین کلی دارایی‌های اجتماعی پاسخگویان، کم رو به متوسط ارزیابی شد. علاوه بر سنجش وضعیت فقر، بنابر ماهیت مطالعه و

اهداف مورد نظر، وضعیت تخریب مراتع توسط پاسخگویان نیز مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان داد که میانگین کل تخریب مراتع در منطقه مورد مطالعه، متوسط رو به زیاد است و با توجه به نتایج تحقیق میانگین میزان تخریب مراتع توسط پاسخگویان فقیر به طرز معنی داری بیشتر از پاسخگویان غیرفقیر است. علاوه بر یافته های فوق، در این مطالعه، وضعیت شاخص های جمعیت شناختی پاسخگویان به ویژه در زمینه هایی نظیر سن، تعداد سال های تحصیل، وضعیت اشتغال، بعد خانوار، نسبت افراد دارای درآمد به بعد خانوار و همچنین رفاه اجتماعی، سرمایه اجتماعی بین دو گروه پاسخگویان فقیر و غیر فقیر (هم بر مبنای خط فقر ۵۰ درصد و هم بر مبنای خط فقر ۶۶ درصد) مورد بررسی و مقایسه قرار گرفت. بعلاوه، به منظور بررسی قدرت پیش بینی کنندگی گروه بندی پاسخگویان به دو دسته فقیر و غیر فقیر نیز از تحلیل ممیزی استفاده شد. شرح بیشتر یافته ها در متن پایان نامه آمده است.

**کلید واژه:** فقر اقتصادی روستایی، فقر اجتماعی روستایی، تخریب، مراتع، فارسان

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اول: مقدمه .....
۱	۱-۱- اهمیت و ضرورت تحقیق .....
۴	۲-۱- بیان مسئله .....
۵	۳-۱- اهداف تحقیق .....
۵	۱-۳-۱- هدف کلی تحقیق .....
۵	۲-۳-۱- اهداف اختصاصی تحقیق .....
۶	۳-۳-۱- فرضیه‌های تحقیق .....
۶	۴-۱- محدودیت‌های تحقیق .....
۷	۵-۱- محدوده‌های تحقیق .....
۷	۱-۵-۱- محدوده موضوعی .....
۷	۲-۵-۱- محدوده مکانی .....
۷	۳-۵-۱- محدوده زمانی .....
۸	فصل دوم: مبانی نظری پژوهش و مرور پیشینه نگاشته‌ها .....
۸	۱-۲- مبانی نظری پژوهش .....
۸	۱-۱-۲- فقر و مفاهیم آن .....
۹	۱-۱-۱-۲- فقر مطلق و نسبی .....
۹	۲-۱-۱-۲- فقر اولیه و ثانویه .....
۹	۳-۱-۱-۲- فقر انسانی .....
۱۰	۴-۱-۱-۲- خط فقر .....
۱۰	۲-۱-۲- مرتع و مفاهیم آن .....
۱۱	۱-۲-۱-۲- مراتع طبیعی و مصنوعی .....
۱۱	۲-۲-۱-۲- مراتع حریم و مراتع روستا .....
۱۲	۳-۲-۱-۲- تخریب مرتع .....
۱۲	۲-۲- مطالعات تجربی .....
۱۲	۱-۲-۲- مطالعات در زمینه فقر .....
۲۶	۲-۲-۲- مطالعات در زمینه تخریب مراتع .....
۲۸	۳-۲-۲- مطالعات در زمینه ارتباط فقر و تخریب مراتع .....
۳۵	۳-۲- جمع‌بندی و تدوین الگوی مفهومی پژوهش .....
۳۷	فصل سوم: مواد و روش‌ها .....
۳۷	۱-۳- مقدمه .....
۳۷	۲-۳- معرفی منطقه مورد مطالعه .....
۳۷	۱-۲-۳- پیشینه تاریخی .....
۳۷	۲-۲-۳- موقعیت جغرافیایی .....
۳۸	۳-۲-۳- جمعیت شهرستان .....



۳۸	..... ۳-۳- روش اجرای پژوهش
۳۹	..... ۱-۳-۳- سنجش فقر
۴۰	..... ۲-۳-۳- سنجش میزان تخریب مراتع
۴۰	..... ۴-۳- جامعه و روش نمونه‌گیری
۴۰	..... ۵-۳- ابزار جمع‌آوری داده‌ها
۴۱	..... ۶-۳- پایایی و روایی پرسشنامه
۴۱	..... ۱-۶-۳- اعتبار (روایی پرسشنامه)
۴۱	..... ۲-۶-۳- پایایی
۴۱	..... ۷-۳- تعریف نظری و عملیاتی متغیرهای پژوهش
۴۱	..... ۱-۷-۳- فقر
۴۱	..... ۱-۱-۷-۳- فقر اجتماعی
۴۲	..... ۱-۱-۱-۷-۳- رفاه اجتماعی
۴۲	..... ۲-۱-۱-۷-۳- سرمایه اجتماعی
۴۲	..... ۲-۱-۷-۳- فقر اقتصادی
۴۳	..... ۲-۷-۳- تخریب مراتع
۴۳	..... ۳-۷-۳- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی
۴۳	..... ۱-۳-۷-۳- جنسیت
۴۳	..... ۲-۳-۷-۳- وضعیت تأهل
۴۳	..... ۳-۳-۷-۳- سن
۴۴	..... ۴-۳-۷-۳- سطح تحصیلات
۴۴	..... ۵-۳-۷-۳- تعداد افراد خانوار
۴۴	..... ۸-۳- نحوه‌ی تجزیه و تحلیل داده‌ها
۴۵	..... <b>فصل چهارم: یافته‌ها و بحث</b>
۴۵	..... ۱-۴- مقدمه
۴۵	..... ۲-۴- معرفی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخگویان
۴۹	..... ۳-۴- بررسی وضعیت فقر اقتصادی پاسخگویان
۵۰	..... ۱-۳-۴- مقایسه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخگویان فقیر و غیر فقیر
۵۲	..... ۴-۴- بررسی وضعیت فقر اجتماعی پاسخگویان
۵۴	..... ۱-۴-۴- بررسی رابطه‌ی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی با دارایی‌های اجتماعی پاسخگویان
۵۹	..... ۲-۴-۴- مقایسه میانگین دارایی‌های اجتماعی پاسخگویان بر اساس وضعیت فقر اقتصادی
۶۰	..... ۵-۴- بررسی وضعیت تخریب مراتع در منطقه مورد مطالعه
۶۲	..... ۱-۵-۴- بررسی رابطه‌ی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی با میزان تخریب مراتع
۶۳	..... ۲-۵-۴- مقایسه میانگین میزان تخریب مراتع بر اساس فقر اقتصادی پاسخگویان
۶۶	..... ۳-۵-۴- بررسی رابطه دارایی‌های اجتماعی پاسخگویان با میزان تخریب مراتع
۶۷	..... ۶-۴- تبیین سازه‌های پیش بین کننده فقر اقتصادی پاسخگویان
۷۴	..... <b>فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهادها</b>
۷۴	..... ۱-۵- مقدمه

۷۵	..... نتیجه‌گیری ۲-۵
۷۹	..... پیشنهاده‌ها ۳-۵
۸۲	..... منابع مورد استفاده

## فصل اول: مقدمه

### ۱-۱- اهمیت موضوع

فقر به عنوان یکی از اولین آسیب‌های اجتماعی، قدمتی برابر با تاریخ بشر دارد و می‌توان گفت که بسیاری از مشکلات اجتماعی پیامد فقر است (همزه‌ای و همکاران، ۱۳۹۱) و در هر عصری، نیک‌اندیشان و خیرخواهان به تناسب درک و فهم زمانه در پی حل آن بوده‌اند و مقابله با آن یکی از مضامین اصلی تمامی ادیان توحیدی نیز بوده است. با این حال در هیچ دینی مانند اسلام، بر از بین بردن این معضل شوم تأکید نشده است (رحیمی، ۱۳۸۰).

بنابراین، فقر از پدیده‌هایی است که همیشه با جوامع انسانی همراه بوده است و از مسائل مهم در کشورهای در حال توسعه به‌شمار می‌رود. فقر و محرومیت، در بیشتر کشورها یکی از مسائل و مشکلات مهم برای دولت‌ها و بویژه برنامه‌ریزان به‌شمار می‌آید. در این میان، فقر در جوامع روستایی، یکی از چالش‌های مهم برشمرده می‌شود که ذهن بسیاری از جامعه‌شناسان و صاحب‌نظران مسائل توسعه روستایی را به خود معطوف کرده است.

فقر روستایی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه به‌عنوان یکی از مسائل حاد و بحرانی جلوه نموده است. روستاییان در این کشورها کمترین سهم را از منابع، سرمایه‌ها و امکانات ملی دارند و بدین لحاظ فقر روستایی به یک چالش بزرگ توسعه انسانی و نیز یک معضل عمده زیست‌محیطی تبدیل شده است. اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران بر آن است که فقر روستایی، امکان و توان بهره‌برداری صحیح و پایدار از منابع محیطی را از بین می‌برد و از این رو موجب تشدید روند تخریب محیط زیست می‌گردد. (باتاچریا و اینس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶).

عظیم‌زاده و فیروزآبادی (۱۳۹۱) به نقل از کاستانزا<sup>۲</sup> و همکاران بیان می‌کنند که ارتباط بین فقر و تخریب محیط زیست، نخستین بار به عنوان بحثی مناقشه برانگیز در کنفرانس استکهلم<sup>۳</sup> سازمان ملل متحد درباره محیط زیست انسانی در سال ۱۹۷۲ مطرح شد، جایی که نخست وزیر پیشین هند، ایندرا گاندی<sup>۴</sup>،

---

<sup>1</sup> Bhattacharya and Innes

<sup>2</sup> Castanza

<sup>3</sup> Stokholm Conference

<sup>4</sup> Indragandi

آلودگی را در وهله اول، به فقر و عدم توسعه نسبت داد. در گزارش مذکور، تصریح شده که رشد جمعیت و فقدان دسترسی به زمین، فشاری بر مردم فقیر وارد می‌کند که آن‌ها را به بهره‌برداری فزاینده از محیط زیست حاشیه‌ای روستاها و شهرها، برای بقاء در کوتاه‌مدت مجبور می‌کند و این روند، موجب تخریب منابع می‌شود. این امر خود در فرایندی چرخش‌وار، مجدداً موجب خلق فقر و به خطر افتادن بقاء در بلندمدت خواهد شد. از زمان برگزاری کنفرانس استکهلم درباره محیط زیست انسانی در سال ۱۹۷۲، پارادایم جدیدی در اقتصاد محیط زیست و توسعه شکل گرفت. سازمان‌های توسعه بین‌المللی، مانند بانک جهانی و برنامه توسعه سازمان ملل متحد (یو ان دی پی<sup>۱</sup>)، به تصدیق این موضوع پرداختند که رشد درآمد ملی، لزوماً به ارتقاء سطح رفاه نمی‌انجامد. آن‌ها دستورالعمل‌های نوینی را برای نیل به توسعه اتخاذ کردند که در آن‌ها نیازهای انسانی و کاهش فقر، افزون بر رشد اقتصادی مورد تأکید بود. سپس پژوهش‌ها و گزارش‌های فراوانی درباره وضعیت فقر و محیط زیست در سطح بین‌المللی انتشار یافت. مثلاً ورزگر (۱۳۷۴)، در پژوهش خود درباره‌ی پیامد فقر و تخریب محیط زیست بر زنان، به بررسی آثار و نتایج فقر، تداوم و رشد سریع جمعیت و تنش‌های فزاینده‌ی محیط زیست و متعاقب آن و بحران‌های ایجاد شده بر معیشت زنان پرداخته است. به اعتقاد وی، در همه کشورهای جهان سوم، تجارب نظری و عملی نشان داده است که همبستگی بسیاری بین فقر و رشد جمعیت وجود دارد و بدین ترتیب، فقر، نیروی محرکی برای رشد جمعیت مهیا می‌کند و رشد جمعیت نیز به نوبه‌ی خود، نیروی تازه‌ای برای فقرا ایجاد می‌کند و این دو به تشدید یکدیگر می‌پردازند.

بدین ترتیب، رشد مداوم جمعیت، در حقیقت عاملی همیشگی در کاهش سطح زیستی زندگی توده‌های فقیر ایجاد می‌کند (عظیم‌زاده و فیروزآبادی، ۱۳۹۱) و انجام پژوهش‌های متعدد در این زمینه، بیانگر این هست که فقر روستایی و تخریب محیط زیست آثار متقابلی دارند. وقتی مردم از نظر تأمین غذا با مشکل روبه‌رو باشند مجبور می‌شوند که در اراضی حاشیه‌ای به زراعت بپردازند، دوره‌ی آیش‌گذاری را که برای تجدید حیات و حاصلخیزی خاک بسیار ضروری است کاهش دهند، به‌منظور دستیابی به اراضی جدید و تأمین سوخت، موجب قطع درختان جنگلی شوند. به چرای بیش از حد در مراتع بسیار آسیب‌پذیر ادامه دهند و یا به صید بی‌رویه ماهیان در رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و یا آب‌های ساحلی بپردازند. مردمی که به این گونه اقدامات دست می‌زنند همان کسانی هستند که در گذشته از منابع طبیعی خود حفاظت می‌کردند و همواره سعی می‌کردند که بین ارزش به‌دست آورده از این منابع و حفظ و احیای آن تعادل به‌وجود آورند (جزایری، ۱۳۷۵).

با توجه به موارد فوق، یکی از دلایل عمده تخریب محیط زیست در مناطق روستایی کشورهای جهان سوم، فقر روستاییان می‌باشد. فقر موجب تخریب و کاهش باروری منابع طبیعی شده و در نهایت موجب تشدید فقر خواهد شد. تخریب محیط زیست ناشی از بهره‌برداری‌های ناپایدار روستاییان فقیر از منابع محیطی در قالب اشکال گوناگونی از قبیل تغییر کاربری اراضی، چرای دام، استفاده از چوب و هیزم و غیره قابل مشاهده و بررسی است که در زیر به‌طور خلاصه به برخی واقعیت‌های آماری و شواهد موجود در این زمینه با ذکر مثال از کشورهای مختلف جهان سوم اشاره می‌شود:

- استفاده از منابع طبیعی برای سوخت

<sup>1</sup> UNDP

بسیاری از فقرای روستایی در کشورهای جهان سوم از دسترسی به منابع انرژی نوین محروم هستند و در نتیجه ضمن استفاده از هیزم، فضولات حیوانی و غیره علاوه بر محرومیتی که در این زمینه تحمل می‌کنند تأثیر به‌سزایی در تخریب محیط زیست دارند. برای مثال در ناحیه بادولای سریلانکا ۹۷ درصد خانوارهای روستایی از هیزم برای آشپزی استفاده می‌کنند که به دلیل تخریب جنگل‌ها رو به کمیابی است. در مناطق روستایی اتیوپی ۱۷ درصد هزینه خانوارها صرف تهیه انواع سوخت از قبیل هیزم، فضولات دامی و غیره می‌شود (جزایری، ۱۳۷۵). همچنین با توجه به بررسی‌های انجام شده، وابستگی روستاییان هند به ویژه قشر فقیر به منابع انرژی گیاهی (اعم از چوب، کاه کلش و غیره) زیاد است. (احمد، ۲۰۱۲).

#### - تغییر کاربری اراضی جنگلی و مرتعی به اراضی زراعی

یکی از پیامدهای فقر روستایی در کشورهای جهان سوم تغییر کاربری عرصه‌های جنگلی و مرتعی به زمین زراعی است. کشاورزان کم‌زمین و بی‌زمین در این کشورها در واکنش به فشار ناشی از گذران زندگی و برای تأمین مخارج خود و خانواده خویش بیشترین فشار را بر منابع محیطی وارد می‌آورند. در منطقه جنگلی آمازون در برزیل فقر در تمامی سطوح سرمایه قابل مشاهده است و پوشش جنگلی و تنوع زیستی، کشاورزان را به سمت تبدیل جنگل به زمین زراعی از راه سوزاندن درخت‌ها برای تغذیه خاک سوق می‌دهد. به این ترتیب کشاورزان برای تبدیل سرمایه‌های طبیعی به جریان درآمد جاری جهت حل مسئله تأمین غذا، به جای بازار از فرآیند بیوفیزیکی استفاده می‌برند (فاریابی، ۱۳۷۷).

#### - چرای بی رویه دام

در اکثر کشورهای جهان سوم منبع درآمد بسیاری از روستاییان فقیر، پرورش و نگهداری انواع دام سنگین و سبک می‌باشد که اغلب به شیوه سنتی به چراندن دام‌های خویش در عرصه‌های جنگلی و مرتعی می‌پردازند. این امر تا زمانی که تعادل بیولوژیکی بین تعداد دام و عرصه‌های جنگلی و مرتعی برقرار بود، پیامد زیست‌محیطی چندانی نداشت و منابع مزبور فرصت تجدیدپذیری و ترمیم خویش را داشتند. اما مسئله از زمانی به یک معضل زیست‌محیطی تبدیل شد که تعداد دام موجود در این عرصه‌ها به واسطه افزایش جمعیت بهره‌بردار بالا رفت و تعادل بین دام و عرصه‌های جنگلی و مرتعی از بین رفت. در این شرایط گیاهان جنگلی و مرتعی در اثر چرای بی‌رویه‌ی دام، امکان زادآوری و ترمیم خویش را از دست دادند. نتیجه‌ی این فرآیند از بین رفتن برخی گونه‌های گیاهی و نیز تشدید فرسایش عرصه‌های مزبور می‌باشد. در این میان شواهد نشان می‌دهد که میزان وابستگی خانوارهای روستایی فقیرتر به این منابع بیش از سایرین است زیرا این خانوارها فاقد اراضی کشاورزی برای استفاده از بقایای محصولات کشاورزی جهت تأمین علوفه دام هستند و از سویی سرمایه کافی برای خرید و تأمین علوفه برای دام‌های خویش را نیز ندارند (بوجو<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۳).

#### - سایر موارد

از جمله دیگر مواردی که در بین فقرای روستایی کشورهای جهان سوم رایج است استفاده از مواد و مصالح ساختمانی محلی است. زیرا آن‌ها به دلیل عدم توان مالی برای خرید مواد و مصالح ساختمانی

<sup>1</sup> Ahmad

<sup>2</sup> Bojo

پیشرفته از یک سو و عدم آشنایی با فناوری‌های جدید ساختمان‌سازی از سوی دیگر برای ساخت خانه، اصطبل، انبار پرچین مزرعه و غیره از مواد و مصالح محلی از قبیل تنه درختان جنگلی، سنگ، خاک، ماسه و غیره استفاده می‌نمایند. این امر اولاً به دلیل افزایش جمعیت روستایی و بالا رفتن تقاضا برای مصالح مذکور موجب تخریب محیط شده و ثانیاً بررسی‌ها حاکی از آن است که میزان وابستگی گروه‌های فقیرتر جامعه روستایی به این گونه مصالح بیشتر بوده و عملاً نقش بیشتری در تخریب و فرسایش محیط زیست ایفا می‌نمایند. به لحاظ اینکه در اغلب موارد این بهره‌بردارها به طرق ناپایدار صورت می‌گیرد، موجب تشدید تخریب محیط و منابع محیطی می‌گردد. در برخی موارد نیز استفاده از گیاهان جنگلی و مرتعی به عنوان غذا و دارو موجب تخریب محیط زیست می‌شود. شواهد به دست آمده از آفریقا گویای آن است که به ویژه به هنگام قحطی و خشکسالی وابستگی و اتکای روستاییان فقیر به منابع غذایی جنگل از جمله گیاهان و جانوران افزایش می‌یابد و این امر که معمولاً با اصول پایداری همراه نیست منجر به تشدید تخریب این منابع و برهم خوردن توازن اکولوژیکی آنها می‌شود (فرسیث و لیچ، ۱۹۹۸). بنابراین با توجه به مطالب فوق‌الذکر، روشن است که یکی از جنبه‌های تخریب محیط زیست تخریب مراتع می‌باشد و روستاییان فقیر، به شکل‌های مختلفی مانند استفاده از منابع طبیعی (هیزم، فضولات حیوانی و مانند این‌ها) برای سوخت، چرای بی‌رویه دام، تغییر کاربری اراضی جنگلی و مرتعی به اراضی زراعی، باعث تخریب مراتع می‌شوند.

## ۱-۲- بیان مسئله

کشور ایران در روی نوار خشک نیم‌کره شمالی زمین قرار گرفته و بارندگی محدودی دارد. متوسط بارندگی سالانه در کشور حدود ۲۵۰ میلی‌متر، با دامنه تغییرات بسیار گسترده است. در کشور ما دامنه ارتفاعی، دارای تغییرات زیادی است. وجود کوهستان‌ها در مناطق مختلف باعث شده که از دشت‌های با ارتفاع زیر صفر در سواحل خزر تا دشت‌های با ارتفاع بیش از ۲۰۰۰ متر در فلات ایران را شاهد باشیم. خاک‌های کشور در ارتفاعات و دشت‌های مختلف عموماً کم‌عمق و فقیر می‌باشند این وضعیت سرزمینی با اثرات اقلیمی که تحت تأثیر هوای مرطوب اقیانوس اطلس، بادهای سرد قطبی، بادهای گرم استوائی پس از عبور از عربستان و به صورت محدود هوای گرم و مرطوب اقیانوس هند است، شرایط طبیعی این سرزمین را شکل می‌دهد که آن را قاره کوچک و یا کشور چهار فصل می‌نامند. نتیجه آن که این سرزمین دارای پوشش گیاهی طبیعی بسیار محدود و بسیار متنوع می‌باشد (شامخی و میرمحمدی، ۱۳۹۱).

محیط زیست طبیعی ایران در عین محدود بودن شکنندگی خاصی نیز دارد و در معرض خطر می‌باشد. کشور ایران در زمره محدود کشورهایی است که علاوه بر برخورداری از جنگل‌های مربوط به نیمه استوایی، از کویرهای خشک و غیرقابل کشت نیز برخوردار است. تهدیدهایی که متوجه این محیط زیست متنوع است، اکثراً به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از فعالیت‌های اقتصادی غیرمطلوب ناشی از فقر و توسعه نیافتگی، در عرصه جنگل‌ها و مراتع نشأت گرفته است. با توجه به بهره‌برداری‌ها و کاربردهای غیراصولی و نامناسب از عرصه منابع طبیعی، سالانه به میزان وسیعی تخریب به صورت کمی و کیفی

<sup>1</sup> Forsyth & Leach

انجام می‌گیرد. تخریب کمی در عرصه مرتع بیشتر به چشم می‌خورد ولی در بخش جنگل‌ها تخریب‌های انجام شده بیشتر جنبه‌ی کیفی داشته و تنزل درجه کیفی جنگل را به همراه دارد (نسیمی، ۱۳۷۸). با توجه به موارد فوق و همچنین ارتباط بین فقر و تخریب مراتع که در بخش قبل به آن اشاره شد، می‌توان گفت که موضوع تخریب مراتع در مناطق کمتر توسعه‌یافته وسعت بیشتری داشته و از اهمیت بالاتری برخوردار است. زیرا درصد افراد فقیر در این مناطق بیشتر بوده و در نتیجه با توجه به استدلال‌های فوق، می‌توان تصور نمود که میزان صدمه زدن و تخریب مراتع در این مناطق بیشتر باشد. استان چهارمحال و بختیاری با وسعتی معادل یک درصد از قلمرو جغرافیایی سیاسی کشور و جمعیتی معادل ۱/۱۹ درصد جمعیت کشور از مناطق محروم و توسعه نیافته کشور می‌باشد (دفتر آمار و اطلاعات معاونت برنامه ریزی استانداری چهارمحال و بختیاری، ۱۳۹۰). یکی از شهرستان‌های این استان، شهرستان فارسان است. این شهرستان نیز یکی از شهرستان‌های محروم و توسعه نیافته استان می‌باشد. همان‌گونه که در صفحات قبل نیز اشاره شد، مطالعات و شواهد مختلف، رابطه مثبت بین فقر و تخریب مراتع را تأیید می‌کنند. با توجه به اینکه تحقیقات میدانی چندانی در زمینه رابطه بین فقر روستایی و تخریب مراتع در این شهرستان انجام نشده است، بر این اساس، بررسی رابطه بین فقر روستاییان و تخریب مراتع در بخش مرکزی شهرستان فارسان در تحقیق حاضر مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین سؤال اصلی که این پژوهش به دنبال پاسخگویی به آن می‌باشد، این است که چه رابطه‌ای بین میزان فقر روستایی و میزان تخریب مراتع اطراف روستاها در بخش مرکزی شهرستان فارسان وجود دارد.

### ۳-۱- اهداف تحقیق

#### ۳-۱-۱- هدف کلی تحقیق

شناسایی رابطه بین فقر اجتماعی- اقتصادی روستایی و تخریب مراتع در بخش مرکزی شهرستان فارسان می‌باشد.

#### ۳-۱-۲- اهداف اختصاصی تحقیق

- ۱- شناسایی رابطه بین فقر اقتصادی پاسخگویان و تخریب مراتع مربوط به دام و دامداری
- ۲- شناسایی رابطه بین فقر اقتصادی پاسخگویان و تخریب مراتع مربوط به قطع و برداشت
- ۳- شناسایی رابطه بین فقر اقتصادی پاسخگویان و تخریب مراتع مربوط به تغییرات کاربری
- ۴- شناسایی رابطه بین فقر اقتصادی پاسخگویان و دارایی‌های اجتماعی
- ۵- شناسایی رابطه بین دارایی‌های اجتماعی پاسخگویان و تخریب مراتع مربوط به دام و دامداری
- ۶- شناسایی رابطه بین دارایی‌های اجتماعی و تخریب مراتع مربوط به قطع و برداشت مراتع
- ۷- شناسایی رابطه بین دارایی‌های اجتماعی و تخریب مراتع مربوط به تغییرات کاربری اراضی

#### ۳-۱-۳- فرضیه‌های تحقیق

همانگونه که اشاره شد، مطالعه حاضر به دنبال بررسی رابطه بین فقر اقتصادی - اجتماعی پاسخگویان و تخریب مراتع توسط آن‌ها می‌باشد، بر این اساس و با توجه به ماهیت موضوع می‌توان فرضیه‌ها را به صورت زیر ارائه داد:

- پاسخگویان فقیر به میزان بیشتری نسبت به پاسخگویان غیرفقیر از مراتع برای اموری نظیر چرای دام و دامداری استفاده می‌نمایند.
- پاسخگویان فقیر به میزان بیشتری نسبت به پاسخگویان غیرفقیر به قطع و برداشت از مراتع می‌پردازند.
- پاسخگویان فقیر به میزان بیشتری نسبت به پاسخگویان غیرفقیر باعث تغییرات کاربری در مراتع می‌شوند.
- پاسخگویان غیرفقیر به میزان بیشتری نسبت به پاسخگویان فقیر از دارایی‌های اجتماعی برخوردار می‌باشند.
- هر چه دارایی‌های اجتماعی بیشتر باشند، تخریب مربوط به دام و دامداری کمتر است.
- هر چه دارایی‌های اجتماعی بیشتر باشند، تخریب مربوط به قطع و برداشت کمتر است.
- هر چه دارایی‌های اجتماعی بیشتر باشند، تخریب مربوط به تغییرات کاربری کمتر است.

#### ۴-۱- محدودیت‌های تحقیق

در روند شکل‌گیری هر تحقیقی پژوهش‌گر با مشکلات و محدودیت‌هایی مواجه می‌شود که بسیاری از آن‌ها از کنترل محقق خارج می‌باشد. از جمله محدودیت‌های این تحقیق می‌توان به شرایط خاص این شهرستان از لحاظ توپوگرافی و کوهستانی بودن آن اشاره کرد که دسترسی به مناطق روستایی را سخت می‌کند و همچنین پایین بودن سطح تحصیلات روستاییان و عدم ثبت اطلاعات مورد نیاز مانند هزینه‌های خانوار در بخش‌های مختلف زندگی، درآمد و سایر اطلاعات مورد نیاز که این باعث مشکل شدن جمع‌آوری داده‌ها در سطح روستا می‌گردد.

#### ۵-۱- محدوده‌های تحقیق

##### ۱-۵-۱- محدوده‌ی موضوعی

موضوع این تحقیق بررسی رابطه بین فقر اجتماعی - اقتصادی روستایی و تخریب مراتع در بخش مرکزی شهرستان فارس می‌باشد.

##### ۲-۵-۱- محدوده‌ی مکانی

محدوده مکانی تحقیق بخش مرکزی شهرستان فارس از استان چهارمحال و بختیاری واقع در جنوب غربی ایران می‌باشد.

##### ۳-۵-۱- محدوده‌ی زمانی

تحقیق حاضر در محدوده زمانی آذر ماه ۱۳۹۲ تا شهریور ماه ۱۳۹۳ انجام پذیرفته است.



## فصل دوم: مبانی نظری پژوهش و مرور پیشینه‌نگاشته‌ها

این فصل به اجمال به تبیین مبانی نظری در دو بخش و پیشینه‌نگاشته‌های پژوهش در سه بخش پرداخته است. در قسمت مبانی نظری به تبیین فقر و مفاهیم آن و مرتع و مفاهیم مربوط به آن پرداخته شده است. در قسمت پیشینه‌نگاشته‌ها، مطالعاتی در زمینه فقر، مطالعاتی در زمینه تخریب مراتع و مطالعاتی در زمینه رابطه فقر و تخریب مراتع مورد بررسی قرار گرفته است. در پایان، چارچوب مفهومی پژوهش حاضر ارائه شده است.

### ۲-۱- مبانی نظری پژوهش

در این فصل ابتدا به بیان تعاریف مربوط به فقر و انواع آن نظیر فقر مطلق و نسبی، فقر اولیه و ثانویه، فقر انسانی و خط فقر پرداخته می‌شود و سپس مفاهیم مربوط به مرتع و انواع آن شامل مراتع طبیعی و مصنوعی و مراتع حریم و مراتع روستا و تخریب مراتع مورد بررسی قرار می‌گیرند.

### ۲-۱-۱- فقر و مفاهیم آن

فقر را می‌توان پدیده‌ای در نظر گرفت که از دیرباز همراه انسان بوده و یکی از مسائل رایج جوامع و فرهنگ‌های شناخته شده بشری را تشکیل داده است. فقر، حکایت نوعی ناتوانی در بدست آوردن و یا نگه داشتن امکانات مادی لازم برای معیشت است که ممکن است از فقدان استعدادها، جسمی و روانی، خواه به صورت موقت یا دائمی و یا از فراهم نبودن شرایط اجتماعی و اقتصادی لازم برای استفاده از استعدادها و منابع موجود ناشی شود (افتخاری، ۱۳۹۰).

فزون بر شیوع گسترده فقر در طول تاریخ بشر، مطالعه‌ی جدی آن توسط اقتصاددانان و جامعه‌شناسان پدیده‌ای نسبتاً جدید است که از اواخر قرن گذشته مورد توجه جدی اقتصاددانان و سیاستمداران قرار گرفته است. اما در این مدت تعداد زیادی از محققان علوم اقتصاد و علوم اجتماعی به بررسی این مسئله، اندازه‌گیری و ارزیابی آن و شناخت عوامل ایجادکننده و تشدیدکننده‌ی آن پرداخته‌اند (افتخاری، ۱۳۹۰). در این مطالعات، فقر به صورت مطلق و نسبی، اولیه و ثانویه و فقر انسانی مورد بررسی قرار گرفته است که ذیلاً هر یک از این دسته‌بندی‌ها به اختصار بررسی می‌شود.

### ۲-۱-۱-۱- فقر مطلق و نسبی

ارضروم چیلر (۱۳۸۴) به نقل از بوت و روانتری<sup>۱</sup> فقر مطلق را ناتوانی در کسب حداقل استاندارد زندگی تعریف کرده است و البته این تعریف بستگی به چگونگی تعریف حداقل معاش دارد و فقر نسبی را ناتوانی در کسب یک سطح معین از استانداردهای زندگی که در جامعه فعلی، لازم یا مطلوب تشخیص

<sup>1</sup> Booth & Rowntree

داده می‌شود، تعریف نموده است. بنابراین در تعریف فقر نسبی به نابرابری در توزیع درآمد و ثروت بیش از میزان مطلق درآمد افراد توجه می‌شود. به منظور دستیابی به عمق نابرابری در توزیع درآمد (یا مصرف) بین افراد یا خانوارها می‌توان درصد کل درآمد دریافت شده توسط فقیرترین قشر جامعه را با درصد درآمد دریافت شده توسط ثروتمندترین قشر مقایسه کرد. البته باید توجه داشت که این مفهوم در کشورهای مختلف به صورت‌های مختلف تعریف می‌شود و در طی زمان بر اثر تحولات اقتصادی نیز تغییر یافته است.

## ۲-۱-۱-۲- فقر اولیه و ثانویه

پور طاهری و همکاران (۱۳۸۹) بیان می‌کنند فقر اولیه به این معناست که خانوارها توانایی تأمین حداقل نیازهای تغذیه بر حسب ارزان‌ترین انواع مواد انرژی را ندارند. فقر ثانویه مرحله‌ای است که نیازهای اساسی و اولیه خانوار برآورد می‌شود، اما نیازهای ثانویه مانند آموزش کافی تأمین نمی‌شود.

## ۲-۱-۱-۳- فقر انسانی

مفهوم فقر انسانی معیاری مناسب برای اندازه‌گیری شاخص‌های اصلی توسعه انسانی و اندازه‌گیری تغییرات آن‌ها است. این مفهوم جنبه‌های اساسی فقر را طرح و در مقایسه با مفاهیم فقر پولی اختلاف‌های قابل توجهی دارد. این مفهوم بجای تکیه بر اندازه‌گیری فقر بر حسب درآمد، بر پارامترهایی بنا شده که ابعاد اولیه کمبودها و کسری‌های مؤثر بر زندگی انسان را نشان می‌دهند. عمر کوتاه، کمبود آموزش و پرورش، فقدان دسترسی به منابع عمومی و خصوصی از جمله بهداشت از جمله مسائلی است که در فقر انسانی مورد توجه قرار می‌گیرد. معیار فقر انسانی بر سه جنبه اصلی زندگی انسانی متمرکز است: طول عمر که کمبودش بر حسب زندگی اندازه‌گیری می‌شود یعنی احتمال مرگ نسبتاً زود هنگام، آموزش که دلیلی بر محرومیت از دنیای مطالعه و ارتباطات است و کمبود دسترسی به شرایط زندگی آبرومندانه که مربوط است به آنچه اقتصاد در مجموع تأمین می‌کند (شوشتریان، ۱۳۸۶).

## ۲-۱-۱-۴- خط فقر

در محاسبات مربوط به فقر بایستی از یک شاخص استاندارد زندگی استفاده نمود و معیارها و شاخص‌ها را بر اساس آن محاسبه نمود. از جمله این شاخص‌ها می‌توان به هزینه‌های ناخالص، هزینه‌های خالص، درآمد ناخالص، درآمد خالص و یا مصرف یک سبد خاص از کالاها اشاره کرد. در برخی مطالعات از مخارج خانوار برای شاخص استاندارد زندگی استفاده شده است. چنین مطالعاتی معتقدند که این شاخص بهتر از درآمدهای خانوار می‌تواند نمایانگر وضعیت زندگی خانوار باشد. گرچه ممکن است درآمدهای زودگذر و موقتی مثبت یا منفی وجود داشته باشد، اما میزان مصرف و در نتیجه مخارج خانوار است که سطح زندگی وی را منعکس می‌سازد. چه بسا خانوارهای کم‌درآمدی که با قرض گرفتن از سطح زندگی مناسبی برخوردارند، یا خانوارهایی که برای مدتی درآمدهای خود را از دست داده‌اند اما با استفاده از پس‌اندازهای گذشته سطح زندگی گذشته را حفظ نموده‌اند. در مقابل خانوارهایی وجود دارند که از درآمد بالایی برخوردارند اما به دلایل متفاوت چون عدم دسترسی به کالاها و خدمات، مسائل فرهنگی و یا خصوصیات رفتاری، مصرف و در نتیجه مخارج پایینی دارند. از سوی دیگر می‌توان برای شاخص درآمد نیز مزایایی ذکر نمود. اما به‌طور کلی نمی‌توان برتری یکی را بر دیگری مشخص نمود. با توجه به

شرایط اجتماعی و این مسئله که اغلب در مورد درآمدها کم‌گویی وجود دارد، می‌توان گفت که استفاده از مخارج کل خانوار می‌تواند نتایج منطقی‌تری را ایجاد نماید (افتخاری، ۱۳۹۰).

به اعتقاد کاکوانی<sup>۱</sup> (۱۹۹۵)، رفاه کمتر از یک حد معین و منطقی، فقر است. فقر دارای ابعاد مختلفی چون فقر درآمدی، فقر سلامت و مواد غذایی، فقر آموزشی و فقر امنیتی است. چنانچه فردی از هر چهار بعد در زمره فقرا قرار گیرد در هسته‌ی فقر<sup>۲</sup> جامعه قرار گرفته است. اما با وجود اشراف به ابعاد مختلف فقر معمولاً در مطالعات کاربردی فقر چنان تعریف و در نظر گرفته می‌شود که اگر فردی از نظر درآمدی کمتر از حد معینی درآمد داشته باشد فقیر است. بدین ترتیب، در ارزیابی فقر تنها معیار درآمد لحاظ می‌گردد.

## ۲-۱-۲- مرتع و مفاهیم آن

پوشش گیاهی مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر پایداری و تعادل اکوسیستم‌های طبیعی است. روابط بین پوشش گیاهی و عوامل محیطی به شناخت عوامل مؤثر بر رشد و استقرار گونه‌های گیاهی و همچنین شناسایی رویشگاه‌ها کمک می‌کند (گویی و وهابی، ۱۳۹۱).

مرتع یک اکوسیستم طبیعی است که مشخصه‌ی اصلی آن پوشش گیاهی کوه‌ها و دامنه‌ها یا زمین‌های مسطح است که در فصل چرا دارای پوشش گیاهی علوفه‌ای خودرو بوده و با توجه به سابقه چرا عرفاً مرتع شناخته می‌شود و منبع عظیمی از ذخایر ژنتیکی و تنوعی از گونه‌های گیاهی است که همواره این گوناگونی زیستی، متضمن پایداری مرتع در مقابل عوامل متغیر محیطی و زیستی است (امیرمتین، ۱۳۸۹). به عبارت دیگر مرتع، سرزمینی است که حداقل برای مدتی از سال، تحت پوشش گیاهی مختلف مرته‌ی خودرو قرار داشته باشد (ولایتی و کدیور، ۱۳۸۵).

## ۲-۱-۲-۱- مراتع طبیعی و مصنوعی

مرتع به دو صورت طبیعی و مصنوعی وجود دارند:

الف- مراتع طبیعی: مراتع طبیعی معمولی که بیشتر چراگاه‌های ایران از این نوع‌اند و در مناطق خشک و نیمه‌خشک قرار دارند. مراتع طبیعی به دو گروه مشجر و غیر مشجر تقسیم می‌شوند (ولایتی و کدیور، ۱۳۸۵).

- مرتع مشجر: اگر مرتع دارای درختان جنگلی خودرو باشد، مرتع مشجر نامیده می‌شود، مشروط بر آن‌که حجم درختان موجود در هر هکتار، در شمال، از حوزه‌ی آستارا تا حوزه‌ی گلیداغی بیش از پنجاه متر مکعب و در سایر مناطق ایران بیش از بیست متر مکعب نباشد (ولایتی و کدیور، ۱۳۸۵).

- مرتع غیر مشجر: زمینی است اعم از کوه و دامنه یا زمین مسطح که در فصل چرا، دارای پوششی از گیاهان علوفه‌ای خودرو بوده و با توجه به سابقه‌ی چرا، عرفاً مرتع شناخته می‌شود (گویی و وهابی، ۱۳۹۱).

ب- مراتع مصنوعی: زمین‌هایی هستند که هر ساله یا چند سال یک بار زیر کشت گیاهان علوفه‌ای از نوع اصلاح شده می‌روند. دام در این گونه مراتع می‌چرخد و یا محصولات علوفه‌ای آن‌ها را برداشت کرده و به دام می‌دهند (امیرمتین، ۱۳۸۹).

<sup>1</sup> Kakwani

<sup>2</sup> Core Poor

## ۲-۱-۲- مرابع حریم و مرابع روستا

در حال حاضر دو نوع مرتع به صورت کلی ارزیابی می‌گردد که شامل مراتع حریم و مراتع روستا (مرابع عمومی) می‌باشند.

الف- مراتع حریم: جزئی از حریم روستا بوده و بهره‌برداران روستایی و عشایری هر کدام در سهم خود مجاز به استفاده از مراتع خواهند بود و پروانه‌ی این مراتع به نام شورای روستا صادر می‌شود و تحت عنوان مراتع شورایی شناخته می‌شوند (خلیقی و همکاران، ۱۳۸۹).

ب- مراتع عمومی یا روستایی: منظور مراتع اطراف روستا می‌باشد که عرفاً مورد بهره‌برداری دام‌های روستاییان قرار می‌گیرد و بیشتر تمرکز اجرایی دفتر فنی مرتع سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور بر این مراتع استوار گردیده که توسط هیئت‌های سه نفره شامل نماینده مدیر کل منابع طبیعی، کارشناس یا کمک کارشناس مرتع و نماینده‌ی اداره‌ی منابع طبیعی شهرستان، تشخیص و تعیین می‌گردد. این مراتع به شیوه‌های مختلفی بهره‌برداری می‌گردند. در ابتدا بر اساس سامان عرفی، حق بهره‌برداری از چرا به بهره‌برداران دارای صلاحیت، به صورت فردی و یا به صورت جمعی داده می‌شود (خلیقی و همکاران، ۱۳۸۹).

## ۲-۱-۳- تخریب مرتع

یکی از مشکلات کشورهای جهان سوم، به‌ویژه در مناطق روستایی، وابستگی زیاد مردم محلی به بهره‌برداری از منابع طبیعی است که باعث وارد آمدن فشار بیش از حد و در نهایت تخریب سریع منابع طبیعی می‌گردد (کریمی دهکردی و انصاری، ۱۳۹۱). تخریب منابع طبیعی کشور پدیده‌ای است که در چند دهه‌ی اخیر بیش از گذشته گسترش یافته و ذهن کارشناسان و مسئولین را کم و بیش به خود اختصاص داده است.

تخریب مرتع واژه‌ای است مانند بیابان‌زایی که با آن نیز ارتباط دارد و رایج‌تر از آن نیز است و به طرق مختلف و متناقضی تعریف شده است. بنابراین ارائه تعریف مشخص و بدون ابهام برای تخریب مرتع بسیار حائز اهمیت است زیرا معیارهای تشخیص وقوع و سنجش آن را تعیین می‌کند. در کتب و مقالات متعدد تعاریف متعددی ارائه شده است که بعضاً تخریب مرتع را با از دست رفتن بلندمدت و یا دائمی یک کالای اقتصادی برابر دانسته‌اند. بنابراین تخریب مرتع، افت دائمی در میزان تولید محصولات دامی از زمین تحت یک نظام مدیریت مفروض می‌باشد (بدری‌پور، ۱۳۸۹). به‌طور کلی تخریب مرتع شامل تأثیر روابط متقابل بین عوامل اقلیمی به‌خصوص خشکسالی و فاکتورهای انسانی و حیوانات است که منجر به استفاده بی‌رویه از منابع طبیعی و کاهش در کمیت یا کیفیت غذایی رستنی‌ها و گیاهان قابل دسترسی برای چرای دام می‌شود. تخریب در اکوسیستم‌های مرتعی می‌تواند در چارچوب زمانی کوتاه و با پیشرفت سریع از سطح کم به متوسط و سپس به سطح شدید رخ دهد (ایفاد<sup>۱</sup> ۲۰۰۷).

<sup>1</sup> International Fund for Agricultural Development (IFAD)